

A Review of the Book *The Art of Islamic Banking and Finance*

S. M. Reza Amiri Tehrani*

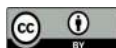
Abstract

The Art of Islamic Banking and Finance narrates the author's (Yahia Abdul- Rahman) achievement in constituting an interest-free bank in the U.S.A. As a matter of fact, he explores banking and finance laws and regularities in the U.S as well as the Islamic banking system in the world. The remarkable difference between these two kinds of banking systems is that the former is based on the monetary market and the latter on the real economy. In the Islamic banking system, the rent expense of a commodity to be financed is measured based on rules known as "commodity indexation" and "marking to market". Moreover, in such a system, the interest rate of the ordinary banking system is substituted with the rent expense of a commodity. Thus, rent expenses are not fixed like interest rates. The prominent characteristic of an Islamic banking system is not only its interest-free feature but also its civility and social responsibility. The main pitfalls of the book include a lack of comprehensive discussion and a lack of reporting the Islamic banking systems of other Muslim countries. Besides, no thorough analysis of banking system experiences has been done and has not paid attention to the critique of the Iranian banking system.

Keywords: Islamic Banking, Interest-Free, Social Responsibility, Commodity Indexation, Mark to Market.

* Assistant Professor of Philosophy of Science and Technology, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, amiritehrani@hotmail.com

Date received: 2021-01-25, Date of acceptance: 2021-05-24



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب

هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی

سیدمحمدرضا امیری طهرانی*

چکیده

این کتاب حاصل تجربه نگارنده در تأسیس بانک‌داری بدون ربا در آمریکاست. او به این منظور مجموعه قوانین بانک‌داری آمریکا و هم‌چنین تجربه بانک‌داری اسلامی در جهان را بررسی می‌کند. وجه تمایز این دو نوع بانک‌داری متکی بودن فعالیت‌های اولی بر بازار پولی و دومی بر اقتصاد واقعی است. او برای تعیین اجاره‌بهای سهم مشارکت بانک در تهیه کالاها و خدمات در عقود مبادله‌ای دو قاعده را معرفی می‌کند؛ قاعده سنجش کالا که ارزش کالا را براساس کالاهای شاخص و باثبات ارزیابی می‌کند و قاعده ارزش‌گذاری برپایه بازار که اجاره‌بهای آن را در بازار واقعی می‌سنجد. در بانک‌داری بدون ربا اجاره‌بهای کالا در بازار واقعی جای‌گزین نرخ بهره در بازار پولی می‌شود. او مأموریت بانک‌داری بدون ربا را به بُعد فقهی آن محدود نمی‌داند و درباره مسئولیت اجتماعی آن درقبال پیش‌برد رفاه مردم و گسترش عدالت اجتماعی بحث می‌کند. مهم‌ترین نقدهایی که بر کتاب وارد است این‌که فاقد پیشینه بحث است و در بررسی نحوه تعیین نرخ سود بانکی در بانک‌داری اسلامی، به طرح نظریه‌های دیگر اقتصاددانان مسلمان نمی‌پردازد و به ذکر تجربه بانک‌داری برخی کشورهای مسلمان بسنده می‌کند. البته بررسی تجربه‌های بانک‌داری نیز به‌طور کامل انجام نشده و برای نمونه، به نقد بانک‌داری ایران اهتمام نورزیده است.

کلیدواژه‌ها: بانک‌داری اسلامی، تأمین مالی، بدون ربا، مسئولیت اجتماعی، سنجش کالایی، ارزش‌گذاری.

* استادیار فلسفه علم و فناوری و عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
amiritehrani@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳



۱. مقدمه

یحیی عبدالرحمن، نویسنده کتاب *هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی*، در معرفی کتاب خود می‌گوید که این کتاب را برای همه مردم از هر ایمان و اعتقادی نگاشته است. می‌توان کتاب را به‌عنوان یک رویکرد مبتنی بر ایمان و برخوردار از مسئولیت اجتماعی بانک‌داری معرفی کرد. نویسنده معتقد است که برای بانک‌داری بدون ربا در ایالات متحده، غرب، و هم‌چنین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان تقاضای زیادی وجود دارد. بانک‌داری بدون ربا نظامی است که بر شالوده‌اجاره پول به یک قیمت مشخص، به نام نرخ بهره، بنا نشده است، بلکه براساس اجاره یک دارایی ملموس از قبیل خانه، ابزار و تجهیزات، و کسب‌وکار است (Abdul-Rahman 2010: 1).

یحیی عبدالرحمن نویسنده‌ای آمریکایی و مصری تبار است که کتاب *هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی (The Art of Islamic Banking and Finance; Tools & Techniques for Community-Based Banking)* را در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد. انتشارات ویلی و پسران، هم‌زمان در نیوجرسی آمریکا و کانادا، این کتاب را به زبان انگلیسی در ۳۹۶+۳۵ صفحه چاپ کرده است. سیدمحمدرضا امیری طهرانی و دستیارانش، مجید خادم‌الحسینی و حمید مرتضی‌نیا، کتاب را با عنوان *هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی؛ ابزارها و روش‌های بانک‌داری مبتنی بر جامعه* ترجمه کرده‌اند و انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، در ۶۴۴ صفحه و تیراژ هزار نسخه در سال ۱۳۹۴، آن را منتشر کرده است.

نویسنده در سال ۲۰۰۱ در بانک لاربا و بعدازآن از ژوئیه ۲۰۰۳ در بانک ویتیر تلاش کرد که بانک‌داری اسلامی را در آمریکا با نامی جدید، یعنی «بانک‌داری بدون ربا» یا «لاربا»، تجاری کند. نامی که از آن حمایت می‌کند بدون ربا (riba-free) است که با کلمه «ریبیت» (ribit) به کاررفته در عهد عتیق هم‌خانواده است. ربا به معنی عمل بهره‌جویی از کسانی است که برای رفع نیازهای اساسی خود به پول احتیاج دارند و از طریق اجاره پول به قیمتی به نام بهره انجام می‌گیرد. بانک‌داری بدون ربا یک نام تجاری از بانک‌داری برخوردار از مسئولیت اجتماعی است که در روح و نیت بر جامعه مبتنی است. این نام تجاری نوعی از بانک‌داری است که مظهر ارزش‌های یهودی، مسیحی، و اسلامی است و در آمریکا در حال عمیق‌ترشدن و پررونق‌شدن است (ibid.: 1-2).

نویسنده، در یک کلام، موضوع کتاب را مفهوم نرخ بهره و فرهنگ حاصل از اجاره پول معرفی می‌کند. بانک‌داری بدون ریبیت/ ربا شامل سرمایه‌گذاری در جامعه و با مردم است و نه اجاره دادن پول به آنان و گرفتن هزینه استفاده از آن. در روزگاران گذشته، قانون گرفتن

هزینه برای استفاده از پول ربا نامیده می‌شد. متأسفانه امروزه ربا به بهره مضاعف یا گزاف تعریف شده است و تاکنون کسی تعریف مضاعف را، با بیان نقطه مرجعی که فراتر از آن ربا یا مضاعف یا گزاف شکل می‌گیرد، تبیین نکرده است (8: ibid.).

۱.۱ پیشینه

کتاب *هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی* که در صدد نقد آنیم، پیش‌از این برخی منتقدان آن را بررسی و نقد کرده‌اند. ریچارد بوشمن (Richard Bushman)، استاد بازنشسته تاریخ در دانشگاه کلمبیا، درباره این کتاب می‌گوید که پاسخی قوی، عملی، و مبرهن به این پرسش است که چگونه می‌توان بانک‌ها را به مردمی متعهد کرد که باید خدمت‌گزار آنان باشند. این کتاب نه تنها یک نظریه، بلکه گزارشی از چگونگی کارکرد موفق بانک‌داری اسلامی در آمریکای جدید ارائه می‌کند.

گای دیوید، عضو شرکت با مسئولیت محدود گاولینگ لافلور هندرسون، معتقد است هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی یک مطالعه تطبیقی ژرف‌نگر و گاهی شگفت‌درباره تأثیر اصول دینی یهودی، مسیحی، و اسلامی در تحول بانک‌داری و تأمین مالی در اشکال متنوع آن است. بنابر دریافت دیوید یکی از یافته‌های کلیدی عبدالرحمن این است که تفاوت میان اصول بنیادین تأمین مالی اسلامی و متعارف آن‌قدر نیست که در تفسیر و کاربرد آن‌ها در جهان معاصر است.

طارق الدیوانی، عضو ارشد شرکت مشاوره زست، باور دارد که بحث یحیی عبدالرحمن درباره بانک‌داری اسلامی به دلیل تجربه عملی او صریح، درگیرکننده، و آگاهی‌بخش است. این سرآغاز راه‌نمایی به منظور بهبود وضعیت برای همه کسانی است که معتقدند صنعت تأمین مالی باید دوباره در خدمت منافع گسترده‌تر انسانیت باشد (Abdul-Rahman 2010: cover).

رشید خدوره در نقد این کتاب آورده است که نویسنده بیش‌تر دیدگاه خود را ارائه می‌کند تا آن‌چه با تأمین مالی اسلامی سازگار است. او مدعی می‌شود که نویسنده حتی از تعریف بهره، که ریاست یا نه، ناتوان است. او این ایراد را وارد می‌کند که نویسنده به دستاوردهای دیگر نویسندگان که در زمینه بانک‌داری بدون ربا مشارکت داشته‌اند، اشاره نمی‌کند (18/4/2010). <<https://www.amazon.com>>.

شاپوکلیاک معتقد است این کتاب *هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی* نامیده شده است، اما از باور و ایمان فراتر می‌رود و ابزارهای مالی و محصولات بانکی فراهم‌آمده

توسط محققان مسلمان را به نحوی ترسیم می‌کند که برای یهودیان، مسیحیان، هندوها، یا جمعیت‌های ملحد هم مانند جامعه‌های مؤمن مفید است (ibid.: 16/4/2010).

هاشم شریف در نقد کتاب به روش ارزش‌گذاری برپایه بازار، به‌مثابه شاخص تعیین اجاره پول، اشاره می‌کند و می‌گوید که این روش هنگامی کار می‌کند که بازاری وجود داشته باشد. در صورتی که بازار آن خدمات یا کالاها وجود نداشته باشد، مثلاً بازار وام تحصیلی یا بازار یک تکنولوژی جدید، این روش کارآمد نیست. نقد شکلی او بر کتاب این است که به ویرایش جدی‌تری نیاز دارد تا غلط‌های تایپی و تکرار مطالب برطرف شود و نمایه‌های کامل‌تری داشته باشد (ibid.: 4/5/2010).

آر. ای. شکسپیر از مزایای کتاب به استفاده از اصطلاح بانک‌داری بدون ربا در برابر بانک‌داری اسلامی اشاره می‌کند که بسیار سنجیده انتخاب شده است. کاربرد این اصطلاح، با توجه به باور نویسنده به‌مبنای یهودی، مسیحی، و اسلامی، حرمت ربا کاملاً موجه است (ibid.: 28/5/2010).

نسرین درباره این کتاب می‌گوید که نه تنها به فهم بانک‌داری اسلامی و چگونگی کارکرد آن کمک می‌کند، بلکه شیوه کار فدرال رزرو (federal reserve) و بانک‌داری عام در آمریکا را نیز معرفی می‌کند. نویسنده نشان می‌دهد که بانک کوچک متکی به جامعه، بنابر اصل مسئولیت‌شناسی اجتماعی، چگونه کار می‌کند و هدف پیشرفت جامعه چه نقش مهمی در تأمین نیازهای مالی آن، با روشی برتر از بانک‌های بزرگ، ایفا می‌کند (ibid.: 14/2/2010). ویلیام استیلول تأکید می‌کند که نظام بانک‌داری بدون ربا شرح داده شده در این کتاب تنها نظامی است که یک وام را، باین که مشتری اعتبار و درآمد خوبی دارد و می‌تواند از عهده قسط‌های ماهانه برآید، منتفی می‌کند، تنها به این دلیل که این نهاد مالی این سرمایه‌گذاری را برای مشتری مناسب نمی‌بیند. این کتاب فرهنگی را به‌نمایش می‌گذارد که هم منافع مشتری را محافظت می‌کند و هم سلامت بلندمدت نهاد مالی را رعایت می‌کند. آنچه از کتاب می‌توان آموخت این است که بانک‌داری بدون ربا نظامی منصفانه، اخلاقی، و کارآمد است (ibid.: 5/2/2010).

۲. بحث

۱.۲ محتویات کتاب

این کتاب در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول در بردارنده هشت فصل است و بر اجزای تشکیل‌دهنده سیستم بانکی بدون ربا تمرکز دارد. نظام ارزشی یهودی، مسیحی، و

اسلامی به‌مثابه باوری ایمانی که ربا/ ربیبت را ممنوع می‌داند، در فصل دوم بحث شده است. اصل منحصربه‌فرد ارزش‌گذاری برپایه بازار (marking to the market)، که بانک‌داران بدون ربا را به‌منظور بررسی هر «عملیات» مالی و اعطای وام به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری راه‌نمایی می‌کند، در فصل سوم بحث شده است. در این روش، اجاره‌بهای یک ماشین، خانه، یا خدماتی در بازار واقعی به‌منظور ارزیابی امکان‌پذیر بودن پرداخت ماهانه یک معامله تأمین مالی به‌جای اجاره مستقیم پول با هزینه‌ای به نام نرخ بهره استفاده می‌شود. عقل و دیگر راه‌های مورد استفاده جهت نیل به قوانین، مقررات، و قوانین مبتنی بر ایمان با استفاده از مبانی یهودی، مسیحی، و اسلامی و روش‌شناسی قانون شریعت در فصل چهارم به تفصیل ارائه می‌شود.

تعریف پول و این که چگونه پول از شیء واقعی، همان‌طور که توسط شریعت بیان شده است، یعنی طلا یا نقره به پول کاغذی (fiat) تبدیل شد تا نیازهای بسیار متنوع جهان را پوشش دهد، خلق و مدیریت پول و سیستم پولی، نقش بانک‌های مرکزی و سیستم فدرال رزرو، و تعریف بهره در فصل پنجم بحث می‌شود. در این فصل، مبانی ربا در معاملات تجاری، قوانین جدید و منحصربه‌فرد حضرت محمد (ص) برای ارزش‌یابی قیمت‌ها در بازار، و هم‌چنین قاعده او برای قیمت‌گذاری اجاره هر چیزی براساس ارزش بازاری آن بحث می‌شود.

در فصل ششم، به مسئولیت اجتماعی بانک‌داران بدون ربا، که برای نگه‌داری پول و دارایی‌های مردم معتمد واقع شده‌اند، پرداخته می‌شود. مفاهیم شهروندی و مسئولیت اجتماعی براساس نظام ارزشی یهودی، مسیحی، و اسلامی وسیله‌ای برای بنانهادن مهم‌ترین روح، ماده، و اساس برای بانک‌داری بدون ربا معرفی می‌شوند.

نویسنده باور دارد که دستاوردهای سیستم بانکی آمریکا و قوانین و مقررات آن از ظرفیت بالایی برای بانک‌داری جهان برخوردارند. او در فصل هفتم جزئیات این سیستم را که بر بخش عظیمی از تجربه انسانی استوار است بررسی می‌کند و تأکید می‌ورزد که این سیستم در نظام ارزشی یهودی، مسیحی، و اسلامی ریشه دارد. نویسنده در این فصل توصیه می‌کند که محققان مذهبی تنظیم‌کنندگان قوانین و دست‌اندرکاران بانک‌داری بدون ربا با مقررات و نظام بانک‌داری ایالات متحده آشنا شوند.

در فصل هشتم تلاش می‌شود تاریخچه بانک‌داری بدون ربا و چگونگی توسعه‌یافتن آن از اوایل ۱۹۵۰ توضیح داده شود و تفاوت‌های آن با بانک‌داری متعارف تبیین شود (Abdul-Rahman 2010: 9-10).

نویسنده در بخش دوم کتاب، که متشکل از شش فصل است، تلاش می‌کند تا مباحث بخش اول را به منظور ایجاد نظام بانک‌داری معتمد، خوش‌طرح، و مفیدی یک‌پارچه کند که منطبق بر قانون یهودی، مسیحی، و اسلامی در روح و ماده است.

بخش دوم، با معرفی دو گروه از بانک‌داری اسلامی و بیان خلاصه اهداف آنان آغاز می‌شود. گروه اول بانک‌داران اسلامی کسانی هستند که با حسن‌نظر و نیت خوش از قراردادهای سیستم‌های موجود بانک‌داری متعارف بهره می‌جویند و گاهی سعی کرده‌اند که به‌زور راه‌حل و اصطلاحات «اسلامی» را به سیستم تحمیل کنند. این رویکرد از اوایل دهه ۱۹۶۰ شروع شده است و بانک‌داری «سازگار با شریعت» نامیده می‌شود. گروه دوم بانک‌داری اسلامی، که به‌زعم نویسنده نخستین بار توسط او و با رویکردی مبتنی بر شریعت به‌پیش برده شده است، از روح، جوهر، نیت واقعی، و روش‌شناسی «بانک‌داری اسلامی» بهره می‌برد و بر این حقیقت که ریشه در نظام ارزشی یهودی، مسیحی، و اسلامی دارد تأکید می‌کند. این رویکرد «مبتنی بر شریعت» اساس نظام بانک‌داری بدون ریاست.

فصل نهم، با تمرکز بر شیوه‌های سازگار با شریعت و روش‌های مورد استفاده در تأمین مالی اسلامی در قرن بیستم، به بررسی جزئیات مهم‌ترین جنبه‌های استفاده‌شکلی از بانک‌داری در بانک‌داری سازگار با شریعت، در برابر بهره‌برداری از مأموریت و محتوای بانک‌داری در بانک‌داری مبتنی بر شریعت، می‌پردازد. از این‌رو، قرارداد و روش ساختارمند رویکرد سازگار با شریعت با رویکرد مبتنی بر شریعت مقایسه می‌شود.

در فصل دهم، روش بانک‌داری اسلامی تجزیه و تحلیل می‌شود. این فصل بانک‌داری بدون ربای مبتنی بر شریعت را معرفی می‌کند که تصور می‌شود موج جدیدی از بانک‌داری اسلامی در قرن بیست‌ویکم باشد.

تجربه تاریخی و منحصربه‌فردی از بازسازی یک بانک آمریکایی به منظور فعالیت به‌صورت بدون ربا در فصل یازدهم به تفصیل توضیح داده شده است. در این فصل، جزئیات دقیقی از مراحل تغییر و اصلاح ساختار یک بانک آمریکایی ربوی به یک بانک بدون ربا و برگرداندن آن به سودآوری و تطابق با نیازهای جامعه آورده شده است.

در فصل دوازدهم، جزئیاتی از عملیات یک بانک بدون ربا در ایالات متحده شامل آموزش و آماده‌سازی بانک‌داران بدون ربا و شرح محصولات مختلف بدون ربا در بانک ارائه شده است. چالش بانک‌داری بدون ربا در ایالات متحده این است که درحالی‌که اصول شریعت نقض نمی‌شوند، قوانین کشور و مقررات بانکی رعایت شوند. چالش دیگر رقابت با محصولات، خدمات، تجربه، و سرمایه‌عظیمی است که در دسترس بانک‌های معمولی

مبتنی بر ربا در آمریکا است. نویسنده این چالش‌ها را به هم‌راه استراتژی‌هایی برای رشد بانک‌داری بدون ربا در ایالات متحده آمریکا مورد بحث قرار می‌دهد.

فصل سیزدهم شامل نمونه‌هایی برگرفته از زندگی واقعی برای نمایش توسعه و کاربرد محصولات سرمایه‌گذاری بانکی بدون ربا است.

نویسنده در فصل چهاردهم، با توجه به نگرش خود به نام تجاری بانک‌داری بدون ربا در شرایط اقتصاد کنونی، نیم‌نگاهی به آینده می‌افکند و توصیه‌هایی را به کسانی ارائه می‌کند که به سبک زندگی بدون ربا توجه دارند.

نویسنده در فصل پانزدهم به چالش‌ها و راه‌بردهای ترویج بانک‌داری بدون ربا در ایالات متحده و جهان می‌پردازد (ibid.: 10-12).

۲.۲ ویژگی‌های شکلی

طرح جلد کتاب جذاب و زیباست و طیفی از رنگ‌های متنوع در آن به کار رفته است. تصویرهای جلد با نواری سورمه‌ای رنگ، که عنوان کتاب روی آن نقش بسته، به دو بخش تقسیم شده است. رنگ سورمه‌ای از طیف رنگ‌های آبی است که در گرافیک برای نشان دادن ماهیت اقتصادی به کار می‌رود. تصویر بالایی که سطح بیش‌تری از جلد را پوشانده است، نگارگری مغولی است. این تصویر صحنه دیوان یک سلطان را نشان می‌دهد که در صدر مجلس بر تخت نشسته است و دو وزیر در دست راست و چپ او بر کرسی وزارت و دیگر دبیران بر زمین نشسته‌اند. تصویر پایینی صحنه‌ای از بورس اوراق بهادار در آمریکا را نشان می‌دهد. «ویلی» اسم ناشر کتاب، فروست کتاب، و تأمین مالی به صورت «WILEY FINANCE» بر تصویر نگارگری مغولی تا اندازه‌ای ناسازگار و تعرض‌آمیز به نظر می‌رسد. شاید اگر این عنوان در پایین صفحه روی تصویر از بورس آمریکا نقش می‌بست، چشم‌نوازتر بود.

کنار هم گذاشتن این دو تصویر، علاوه بر این که تقابل سنت و مدرنیسم را نمایش می‌دهد، می‌تواند نمایانگر دو فضای متفاوت تصمیم‌گیری در سطح حکم‌رانی و بازار باشد. با وجود این، به نظر می‌رسد که برای نمایش بصری اموری وابسته به پول و وام، هم‌چون ربا و بهره از دیدگاه اسلامی، شاید استفاده نمادین از سکه‌های قدیمی و به‌ویژه ضرب‌شده در دوران تمدن اسلامی با نقش‌هایی برگرفته از شعارهای اسلامی توحید و رسالت پیامبر (ص) گویاتر بود.

در پس‌زمینه نگارگری پرنقش‌ونگار مغولی، عنوان هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی با حروف درشت بر قطعه سورمه‌ای‌رنگ جلد به‌خوبی نظر بیننده را به‌خود جلب می‌کند. در زیر عنوان اصلی، عنوان فرعی ابزارها و تکنیک‌هایی برای بانک‌داری مبتنی‌بر جامعه با حروف ریز درج شده و با حروف کمی درشت‌تر نام نویسنده کتاب، یحیی عبدالرحمن، آمده است. به‌نظر می‌رسد عنوان انتخابی برای کتاب اندکی از آموزه اصلی آن منحرف شده است. نویسنده در سراسر کتاب این آموزه را پی گرفته است که تحریم ربا و بهره ویژه دین اسلام نیست، بلکه در رسالت موسوی و عیسوی نیز پیش از اسلام بوده است و به‌تعبیر دیگر، حکمی مربوط به همه ادیان ابراهیمی است. این نکته‌ای است که به‌نظر یکی از ناقدان کتاب حاکی از دقت‌نظر نویسنده در انتخاب عنوان بانک‌داری بدون ربا برای فعالیت‌ها و تجربه بانک‌داری نویسنده در آمریکا است. حال باتوجه‌به ترویج آموزه بانک‌داری بدون ربا براساس حکم حرمت ربا در ادیان ابراهیمی، انتخاب عنوان بانک‌داری اسلامی برای روی جلد، که این طرح بانک‌داری را به دیدگاه اسلامی محدود می‌سازد، قابل تأمل است.

کتاب در قطع وزیری و چنان‌که در صفحه شناس‌نامه آن آمده است، در سال ۲۰۱۰ توسط انتشارات ویلی و پسران در شهر هوبوکن ایالت نیوجرسی ایالات متحده آمریکا و هم‌زمان در کانادا منتشر شده است. کتاب شامل ۳۹۶ صفحه متن و ۳۵ صفحه مقدمات با چاپ سیاه و ترام‌های طوسی است. مقدمات کتاب دربردارنده پیش‌گفتار و صفحه‌قدردانی است. باتوجه‌به این‌که نویسنده علاوه‌بر اقتصاددانان اسلامی دو گروه اقتصاددانان متعارف و عموم مسلمانان و بلکه مردم را نیز مخاطب قرار داده است، یادداشتهای جامع و پرشماری در پایان هر فصل فراهم آورده است که به‌درک مفاهیم اسلامی و هم‌چنین تخصصی اقتصاد کمک می‌کند. البته یادداشتهای پی‌نوشت ارجاعات را نیز در بر دارد. بازگشتن به اطلاعات کتاب‌شناختی در شیوه ارجاع درون‌متنی از ارجاعات در پی‌نوشت برای خواننده راحت‌تر است. در پایان کتاب، نمایه درهم موضوعی و نمایه اعلام آمده است که در صورت جداسازی می‌توانست کامل‌تر باشد.

فصل‌های پانزده‌گانه کتاب از نظر عنوان‌بندی و زیرعنوان بسیار غنی است و مسیر فکری نویسنده را با دوسه لایه زیرعنوان به‌خوبی نشان می‌دهد. علاوه‌بر عنوان‌بندی‌های پرشمار، تقطیع متن با شماره‌گذاری و نشانه‌گذاری مربع در سراسر کتاب به‌چشم می‌خورد که متن کتاب را از یک‌نواختی درآورده است. نویسنده به‌اقتضای بحث، از جدول، نمودار، دیاگرام، و جعبه‌های ساده و طوسی‌رنگ برای برجسته‌کردن بخشی از متن بهره برده است.

پاراگراف‌بندی و رعایت فرورفتگی‌ها در آغاز آن‌ها و همچنین عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها رعایت شده است. استفاده از قلم‌ها در اندازه‌های مختلف به نحوه ارتباط مطالب و چشم‌نوازی متن کمک کرده است. البته متن کتاب هرچند اندک دچار خطای حروف‌نگاری شده است و به ویرایش نیاز دارد. گذشته از ویرایش برای اجرای درست‌نویسی، برخی مطالب کتاب در فصل‌های مختلف تکرار شده است. گرچه این تکرار درباره مطالبی است که آموزه‌ها و ایده‌پردازی‌های نویسنده را شکل می‌دهد و برای تبیین وجوه مختلف آن‌ها صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد که تجمیع آن‌ها و سپس بهره‌برداری از آن‌ها به اقتضای مباحث سراسر کتاب سزاوارتر است.

۳.۲ ویژگی‌های محتوایی

به اعتقاد نویسنده، مهم‌ترین مسائل فراروی بانک‌داری بدون ربا یا به تعبیری بانک‌داری اسلامی در جهان معاصر، با توجه به این که اقتصاد بدون ربا بر اقتصاد واقعی استوار است، ارزش‌یابی کالاها و خدمات موضوع قراردادها و همچنین ارزیابی اجاره‌بهای آن‌ها به مثابه جای‌گزینی برای نرخ بهره است. در این کتاب این دو مسئله با رویکرد اسلامی در دو فصل سوم و پنجم، با معرفی دو مفهوم «شاخص سنجش کالایی» (commodity indexation) و «ارزش‌گذاری برپایه بازار» (marking to the market)، بحث و بررسی شده است.

در فصل سوم برای تبیین رویکرد اسلامی ارزش‌یابی کالاها و خدمات مفهوم «شاخص سنجش کالایی» معرفی می‌شود. از این سیستم برای مرتبط‌ساختن قیمت هر شیء به یک کالای استاندارد، که تولید شده است یا در هر جامعه به کار می‌رود، استفاده شد. این سیستم برای قیمت‌گذاری محصولات و خدمات چه براساس اونس طلا و نقره یا بر مبنای اقلام اصلی مواد غذایی در جامعه مانند گندم، جو، خرما، یا نمک به کار رفت. همچنین، این قاعده وضع شد که اگر کسی یک اونس طلا را قرض گرفت، باید به مقداری مساوی به مالک آن برگرداند، حتی اگر بازپرداخت آن در آینده نزدیک نباشد و پس از گذشت یک سال انجام پذیرد. اگر بازپرداخت بیش از یک اونس بود، معامله یک معامله ربوی بود و حرام ملاحظه می‌شد (Abdul-Rahman 2010: 48).

به لحاظ مفهومی، برای داشتن رفتار عادلانه در قبال همه مردم، قیمت یک شیء همیشه باید با وزن و حجم کالا رابطه داشته باشد. حال این کالا ممکن است از منابع طبیعی استخراج شده باشد، مانند فلزات گران‌بها، طلا، مس، یا نقره یا یک محصول غذایی

تولیدشده توسط کار سخت کشاورز و با استفاده از مواد مغذی طبیعی زمین و آب باشد، مانند ذرت، گندم، خرما، و جو (ibid.: 50).

این مفهوم را با دستگاه چاپی مقایسه کنید که با کم‌ترین تلاش اسکناس چاپ می‌کند. تکثیر بیش از اندازه اسکناس‌ها، بدون توجه به صرفه و اقتصاد محلی تولید، می‌تواند عامل عمده تورم باشد. عکس این قضیه نیز می‌تواند به همین اندازه صحیح باشد (ibid.: 51). در این سیستم ضریب فزاینده یا تکثیر پول، که معکوس نسبت ذخیره قانونی است، مزید بر علت می‌شود. در بانک‌داری، ذخایر قانونی جداگانه‌ای برای نوع و حجم مختلف بدهی‌ها وجود دارد. این گسترش چندبرابری سپرده‌های خلق‌شده در بانک از ویژگی‌های نظام‌های بانک‌داری و نه خود بانک‌هاست. هیچ بانکی نمی‌تواند بیش از مازاد ذخایرش هیچ مقداری سپرده خلق کند (ibid.: 96).

یادآوری این نکته لازم است که به‌هنگام بحث درباره مفهوم «شاخص سنجش کالایی» منظور بازگشت به استاندارد طلا نیست. آن‌چه قویاً در این‌جا مدنظر است، نظامی پیش‌گام و جدید است که از یک کالای مرجع مانند طلا یا سبدهی از کالاهای خاص هر کشور، بسته به جدول تولید و تقاضای آن، استفاده می‌کند؛ همانند مفهوم سبد خرید مورد استفاده برای اندازه‌گیری تورم و مفهوم پیش‌نهادشده جیمز بیکر (James Baker) در سال ۱۹۸۷ برای تشخیص حباب اقتصادی در یک اقتصاد محلی. درخور توجه است که این مفهوم سبد کالایی می‌تواند از کشوری به کشور دیگر، بلکه از زمانی به زمان دیگر با تغییر ترکیب تولید در کشوری معین تغییر کند (ibid.: 52-53).

مفهوم ارزش‌گذاری برپایه بازار یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخی در نظام بدون ربا شناخته می‌شود. این مفهوم شالوده‌قیمت‌گذاری منصفانه محصولات و خدمات بانکی براساس ارزش‌های واقعی بازار را در چهارچوب عملیات یک بازار باز و آزاد استوار می‌سازد. برای مثال، خرید یک خانه را در نظر بگیرید. خریدار می‌خواهد از منابع مالی بدون ربا استفاده کند و نهاد مالی بدون ربا باید آن خانه را برپایه بازار ارزش‌گذاری کند. بهترین راه انجام این کار این است که دریابیم ارزش دلاری اجاره هر فوت مربع از خانه‌های مشابه در همان محله و با مشخصات مشابه چه قدر است. این نرخ اجاره بازاری مورد توافق طرفین، برای محاسبه نرخ بازده سرمایه‌گذاری معامله خرید، از نگاه یک سرمایه‌گذاری به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که نرخ بازده سرمایه‌گذاری صرفه اقتصادی (یعنی برابر یا بالاتر از بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران بدون ربا) داشته باشد، بانک بدون ربا سرمایه‌گذاری را در تأمین مالی ملک مورد نظر انجام می‌دهد. بازده بسیار پایین

حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری مناسب نخواهد بود، بانک‌دار بدون ربا به مشتری توصیه می‌کند که در آن ملک سرمایه‌گذاری نکند، و بانک بدون ربا به تأمین مالی و شرکت در سرمایه‌گذاری اقدام نمی‌کند (ibid.: 54).

نویسنده با اعتقاد به این که پول در برابر تولید کالا و ارائه خدمات حاصل می‌شود و خلق پولی که ناظر به تغییری واقعی در رفاه اقتصادی جامعه نباشد، با آموزه ادیان ابراهیمی مخالف است، تأکید می‌کند همه کسانی که به ارزش‌های یهودی، مسیحی، و اسلامی اعتقاد دارند باید بر دو مفهوم مهم یادشده در طراحی بانک‌داری و نظام مالی بدون ربا تمرکز کنند؛ استفاده از قاعده شاخص سنجش کالایی برای اطمینان از قیمت‌گذاری منصفانه و مبتنی بر بازار، استفاده از مفهوم ارزش‌گذاری برپایه بازار جهت اطمینان‌یافتن از این که ما در حال اجاره دادن دارایی‌های ملموس و اجاره‌پذیر و نه پول هستیم، و بدین منظور که از سرمایه‌گذاری معقول و احتیاط‌آمیز اطمینان حاصل کنیم (ibid.: 102).

نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که از مسئولیت‌های بانک‌های مرکزی جهان، از جمله فدرال رزرو ایالات متحده، این است که تمام تلاش خود را به‌موقع برای توقف شکل‌گیری حساب‌های صرف‌کننده. این کار باید از طریق ترک‌اندن این حساب‌ها انجام شود، قبل از این که آن قدر بزرگ شوند که بار سنگینی بر دوش اقتصاد و در زمان فروپاشی بر دوش کل جامعه بگذارند (ibid.: 104-105).

پرسش این است که چگونه یک شهروند معمولی یا یک مؤسسه مالی بدون ربا می‌تواند از شرکت در این رفتار حسابی پرهیز کند؟ پاسخ نویسنده این است که با کاربرد دو قاعده مهم تأمین مالی بدون ربا، شاخص سنجش کالایی و ارزش‌گذاری برپایه بازار می‌تواند از شرکت در این رفتار حسابی پرهیز کند. این قاعده‌های تأمین مالی بدون ربا به این صورت که ما در حال سرمایه‌گذاری خردورزانه ایم و در یک حساب شرکت نمی‌کنیم، اطمینان‌بخش است. این صحیح است که شاید پیش از موعد یک بازار خاص را ترک کنیم، اما به‌عنوان بانک‌داران بدون ربا مطمئنیم که مهم‌ترین ارزش بانک‌داری بدون ربا را به مشتریان خود تقدیم می‌کنیم که حفاظت از سرمایه و تحقق بازده منطقی است و در بلندمدت، بسیار بالاتر از چنین بازدهی‌ای مبتنی بر حساب و قمار است (ibid.: 105).

از مفاهیم مهم دیگری که نویسنده به آن اهتمام دارد و روی جلد در عنوان فرعی *بانک‌داری مبتنی بر جامعه* نمایان است، مدنیت و مسئولیت اجتماعی نظام بانک‌داری است. او در فصل ششم کتاب درباره جنبه‌های مهم نحوه واردکردن این ارزش‌ها به زندگی با توضیح ابعاد اجتماعی این شیوه بانک‌داری و تعهد آن به ساختن، رشد، و توسعه جامعه

بحث می‌کند. به اعتقاد او بُعد مدنیت و مسئولیت اجتماعی در بانک‌داری و مالیه بدون ربا سرانجام به رشد اقتصادی، فرصت‌های شغلی جدید، رفاه، وحدت، و آینده‌ای مبتنی بر صلح، انصاف، و عدالت برای همه مردم منجر می‌شود. در امور بانک‌داری و تأمین مالی، مدنیت و مسئولیت اجتماعی یک اصل مهم برای داشتن یک عملیات بانکی موفق است (ibid.: 132).

در نظام بانکی بدون ربا، شرکت‌های تأمین مالی به دنبال این هستند تا صاحبان سرمایه را با صاحبان ایده یا متخصصان گردهم آورند، به امید آن‌که با هم‌دیگر به صورت شراکت سرمایه‌گذاری کنند و رشد اقتصادی بلندمدت را در جامعه تحقق بخشند و به بازده سرمایه قابل قبول آنان بینجامد. نقش شرکت‌های تأمین سرمایه عبارت است از آموزش، ارزیابی، ارتقا، و پی‌گیری منافع رشد بلندمدت، نه صرفاً دریافت حق کمیسیون. هدف نظام بانکی بدون ربا گردش سرمایه درون جامعه است. نظام ارزشی یهودی، مسیحی، و اسلامی معامله ابزارهای کاغذی را ممنوع کرده است که خلق ثروت نمی‌کند، بلکه آن را از طریق قماربازی، سفته‌بازی، و دست‌کاری انتقال می‌دهد. هدف باید سرمایه‌گذاری بلندمدت باشد، نه دادوستد روزانه‌ای که به صورت قمار کازینویی انجام می‌شود (ibid.: 147-148).

نویسنده، با اشاره به تجربه خود در تأسیس شرکت لاربا، میثاق‌هایی را یادآور می‌شود که می‌توان آن‌ها را «قوانین طلایی ده‌گانه بانک‌داری بدون ربا» نامید. فهرست این قوانین در ادامه می‌آید:

۱. با پول و اعتماد مردم سفته‌بازی نکنیم. اعتماد مردم را بالاتر از هر چیز از جمله منافع خود قرار دهیم؛
۲. به تعهداتمان عمل کنیم. هرگز چیزی را قول ندهیم که نمی‌توانیم انجام دهیم؛
۳. به پول احترام بگذاریم. پول به افرادی که به آن احترام بگذارند، احترام می‌گذارد. در مورد هزینه‌هایمان دقیق باشیم و آن‌ها را در سطح حداقل نگه داریم؛
۴. مسئولیت اخلاقی مان را نسبت به جمعیت‌های محلی فراموش نکنیم. در حالی که مهم‌ترین دغدغه ما دست‌یابی به بالاترین بازدهی برای سهام‌دارانمان است، هرگز وظیفه اخلاقی مان را در قبال جمعیت‌های محلی فراموش نکنیم. موفقیت‌هایمان را بر اساس بازدهی دارایی‌ها و هم‌چنین تعداد خانواده‌هایی بسنجیم که به فعال‌شدن آنان کمک کرده‌ایم؛
۵. تبعیض قائل نشویم. به دلیل رنگ پوست، زبان، نژاد، باورهای دینی، سن، یا جنسیت هیچ‌گونه تبعیضی قائل نباشیم؛

۶. روی مشتریانمان سرمایه‌گذاری کنیم. به کسب‌وکارمان به‌عنوان یک عملیات اجاره پول ننگریم. بر افراد و با مشارکت افراد سرمایه‌گذاری کنیم؛

۷. از نظر اجتماعی پاسخ‌گو و مسئول باشیم. کسب‌وکارها و فعالیت‌های غیراخلاقی را تأمین مالی نکنیم؛

۸. در مورد این‌که با چه کسانی معامله کنیم، حساس باشیم. قول دهیم که منبع وجوه، نوع، و کیفیت کسب‌وکار سپرده‌گذاران، مشتریان، و مراجعان را بررسی کنیم و از معتبر بودن آن‌ها اطمینان حاصل کنیم؛

۹. محافظه‌کار باشیم. مهم‌ترین هدف سرمایه‌گذاری حفظ سرمایه و بالاتر از تورم نگاه داشتن آن است؛

۱۰. به همکارانمان به‌عنوان شریک بنگریم (ibid.: 151).

نویسنده پس از معرفی مفاهیم بانک‌داری بدون ربا به بررسی تجربه بانک‌داری اسلامی می‌پردازد. او در این بررسی دو گونه بانک‌داری را از هم بازشناسی می‌کند: بانک‌داری اسلامی «سازگار با شریعت» و بانک‌داری بدون ربا «مبتنی بر شریعت». او درباره بانک‌داری سازگار با شریعت می‌نویسد که تلاش‌ها برای بنیان‌نهادن بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی به ابداع مدل مهمی در اواسط دهه ۱۹۷۰ انجامید که بسیار متداول و مرسوم شد، زیرا بسیار شبیه به مدل تأمین مالی مبتنی بر ربا بود. این مدل هزینه افزوده (cost-plus model) یا مراحله نام داشت و به‌طور خلاصه شامل مراحل زیر است:

۱. مؤسسه تأمین مالی کالایی را مطابق نظر خریدار نهایی، که خواهان تخصیص اعتبار بدان است، به قیمت خاصی خریداری می‌کند؛

۲. مؤسسه تأمین مالی کالای مذکور را با قیمت پایه به‌علاوه سود مشخص به خریدار نهایی می‌فروشد. عنصر سود به‌طور متعارف بیان‌گر بهره ضمنی تجمعی، به‌اصطلاح سود، است که به دوره زمانی تأمین مالی تعلق می‌گیرد.

مدل سازگار با شریعت اسلامی بر معامله خرید-فروش استوار است و بهره درخواست نمی‌شود. مدل مذکور برای صنعت نوظهور و نوین بانک‌داری اسلامی بسیار مناسب بود، زیرا این مدل اقتباس صریحی از مدل بانک‌داری متعارف مبتنی بر ربا بود (ibid.: 204). بانک‌داران اسلامی در فرایند اجرای این مدل با چالش‌هایی مواجه شدند که مهم‌ترین آن‌ها این بود که چگونه می‌توان میزان سودی را محاسبه کرد که به قیمت پایه خرید اضافه می‌شود؟ برخی از علما به شرکت‌های تأمین مالی اجازه دادند که به‌منظور یافتن راه‌حلی

برای این مشکل از نرخ بهره رایج به‌عنوان شاخص برآورد سود استفاده کنند. از آن‌جا که بازار پول لندن در دست‌رس بود، دانشمندان این حوزه با به‌کارگیری نرخ بهره بین‌بانکی لندن یا نرخ بهره رایج محلی به‌عنوان نرخ بهره مرجع (reference interest rate) موافقت کردند (ibid.: 205).

نویسنده تبیین رویکرد تأمین مالی مبتنی بر شریعت را با این پرسش اساسی آغاز می‌کند که چرا نظام بانکداری بدون ربا «ربا» یا عمل اجاره پول درازای دریافت قیمت یعنی نرخ بهره را ممنوع می‌کند؟ او در پاسخ این‌گونه استدلال می‌کند که اگر اجاره پول را متوقف کنیم و به اجاره‌بهای اقلام تأمین مالی شده در بازار حقیقی نگاه کنیم، آن‌گاه درحقیقت ما در خودروهای اجاره‌ای، دارایی‌هایی اجاره‌ای نظیر مسکن و ساختمان‌های تجاری، و کسب‌وکار سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. اگر معامله مذکور درازای دریافت اجاره‌بها سودآور باشد، آن‌گاه سرمایه‌گذاری در آن به‌هم‌راه کسانی که برای تأمین مالی به‌نزد ما می‌آیند، امری منطقی و محتاطانه است (ibid.: 227).

از دیدگاه نویسنده جای تأمل است که تمرکز فقها اغلب بر جنبه‌های شرعی قراردادهای مالی است و برخی از اساسی‌ترین الزاماتی که ماهیت و اساس واقعی نظام بانکداری و تأمین مالی بدون ربا را شکل می‌دهند، مغفول مانده‌اند. برای نمونه، عده کمی به جنبه مسئولیت اجتماعی در ارتباط با تأمین مالی بدون ربای اسلامی اشاره کرده‌اند. مسئولیت اجتماعی بانکداری اسلامی شامل گردآوری سپرده‌های جماعت و سرمایه‌گذاری این سپرده‌ها در همان جماعت است، همانند آنچه در قانون ایالات متحده آمریکا درخصوص سرمایه‌گذاری مجدد در اجتماع آمده است. هم‌چنین، این نوع بانکداری نباید اجازه دهد که سپرده‌های بانکی در خارج از اجتماع (و در برخی موارد خارج از کشور) سرمایه‌گذاری شوند، زیرا این امر جوامع محلی را از کسب موقعیت برای کمک به رشد و رونق شهروندان و ایجاد فرصت‌های شغلی محروم می‌کند (ibid.: 251).

بنابر آنچه یاد شد، مهم‌ترین تفاوت بانکداری بدون ربای «سازگار با شریعت» و بانکداری اسلامی «مبتنی بر شریعت» در این است که اولی برای تعیین نرخ سود بانکی از مدل هزینه‌افزوده و شاخص نرخ بهره رایج در نظام بانکداری متعارف یا لایبور استفاده می‌کند، درحالی‌که دومی از مدل مشارکت در یک فعالیت اقتصادی بهره‌می‌برد و برای ارزش‌گذاری موضوع مشارکت از «شاخص سنجش کالایی» و ارزیابی سود بانکی از روش «ارزش‌گذاری برپایه بازار» استفاده می‌کند.

۴.۲ نقد محتوا

این کتاب از جهاتی با دیگر کتاب‌های موجود در این موضوع تفاوت دارد و شاید در نوع خود نادر باشد. آغاز کتاب زندگی‌نامه خودنگاشت دکتر یحیی عبدالرحمن است. پس از آن نویسنده وارد مباحث نظری بانک‌داری و تأمین اسلامی می‌شود، البته به‌طور موازی روایت زندگی خود را نیز ادامه می‌دهد. این کتاب در واقع حاصل پی‌گیری مجدانه، مطالعه دقیق، و موشکافی استادانه زندگی یک مسلمان تحصیل‌کرده است که می‌خواهد در متن بزرگ‌ترین نماد فرهنگ و اقتصاد غرب، پای‌بند به اعتقادات و ارزش‌های دینی خود باقی بماند و براساس آموزه‌های آن رفتار کند. این مقاله در پی نقد کتاب برآمده و نه ایده‌ها و نظریه‌های نویسنده که در این کتاب طرح و بحث کرده است، زیرا مجال گسترده‌تری می‌طلبد. ویژگی‌های کتاب از نظر شکل و محتوا را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. کتاب با شرح حال یحیی عبدالرحمن، مسلمانی مصری، آغاز می‌شود که وضعیت زندگی و حتی حالات روحی خود و خانواده‌اش از دوران تحصیل در مدارس مصر تا درس زندگی در آمریکا را توضیح می‌دهد. او تنگناها و مشکلاتی را که نظام بانک‌داری ربوی برای زندگی مسلمانان معتقد در غرب در پی دارد، همراه با امکانات و محدودیت‌های موجود در ایالات متحده آمریکا، صادقانه بیان می‌کند. از این رو، این کتاب به متن زندگی مسلمانان در جامعه آمریکا وارد می‌شود و اطلاعات فراوانی را در این باره در اختیار خواننده می‌گذارد. روش پژوهش در کتاب با آنچه به مردم‌نگاری، به‌ویژه خودمردم‌نگاری، معروف است، آغاز می‌شود. سپس از روش‌های توصیفی و تحلیلی نیز بهره می‌گیرد. روش خودمردم‌نگاری، ضمن گفت‌وگو با دیگران و توجه به نگرانی‌های علمی و نظری، به بیان داستان‌هایی درباره خود منجر می‌شود که راه‌های جای‌گزینی را برای زندگی و دیدن جهان معرفی می‌کند (قاسمی ۱۴۰۰: ۴۰۵). مردم‌نگار بیش‌تر در صدد توصیف یک فرهنگ است. پرسش عمیق او درباره فرهنگ خاص گروهی از مردم، دیدگاه‌های مشترک، ارزش‌ها، هنجارها، و اعمال آنان است (فراست‌خواه ۱۳۹۵؛ قاسمی ۱۴۰۰: ۴۰۷). نویسنده در بهره‌برداری از این روش، توصیف تجربه شخصی خود در راه‌اندازی بانک بدون ربا در آمریکا، و توصیف فرهنگ مشترک یهودی، مسیحی، و اسلامی موفق است، اما از آن‌جاکه موضوع تحقیق او یعنی بانک‌داری از ابعاد علمی و تخصصی برخوردار است، ناگزیر از ورود به مباحث تخصصی است. آنچه نویسنده را در ادامه پژوهش دچار پرتی‌های کرده است تراحم دو روش خودمردم‌نگاری و روش تحلیلی است، زیرا روش اول مطالعه موردی

تلقی می‌شود و به نوعی تک‌نگاری می‌انجامد (قاسمی ۱۴۰۰: ۴۰۸-۴۰۹) و روش دوم مستلزم تحقیق نظری، ارزیابی، و تطبیق نظریه‌ها و آرای اقتصاددانان مسلمان درباره بانک‌داری است. نویسنده در برقراری توازن میان این دو روش و استفاده درست و کافی از روش تحلیلی موفق نبوده است. از این رو، در بخش‌های تحلیلی کتاب، تحت‌تأثیر روش خودمردم‌نگاری، تنها به انعکاس دیدگاه‌های نظری و تخصصی خود بسنده کرده است.

۲. زبان کتاب تا سطح قابل‌قبولی روان، قابل‌درک، و همه‌فهم است و مسائل را به‌طور مبسوط روایت می‌کند. شاید وسواس و تأکید بیش از اندازه نویسنده بر محتوا و از قلم‌نیفتادن مطالب است که گاهی آن را دچار تکرار و حتی ملال‌انگیز می‌کند. عبدالرحمن مباحث را به زبان علمی اما غیرفنی بیان می‌کند و به‌صورت متن و بدون استفاده از ریاضیات می‌نگارد، گرچه برای انتقال مفاهیم از جدول و نمودار کمک می‌گیرد. این ویژگی دامنه مخاطبان کتاب را گسترش می‌دهد و می‌توان آن را تلاش موفقی در ترویج علم و مردمی کردن آن به‌شمار آورد. ترویج علم به‌عنوان مقوله‌ای فرارشته‌ای با هدف افزایش آگاهی عموم جامعه به علم مطرح می‌شود و راهی است که امکان دسترسی و درک مردم به نتایج علمی را میسر می‌سازد و درک و فهم دانشمندان از واقعیت‌های جامعه را نیز افزایش می‌دهد. ترویج علم در صورت استمرار می‌تواند تفکر علمی و خردگرایی را در جامعه رواج دهد و راه را برای پیش‌برد علوم، نهادینه‌شدن آن، و سرانجام ترقی و رفاه جامعه هموار سازد (قدیمی ۱۳۹۶). این هدف ترویج علم با رسالت اجتماعی بانک‌داری اسلامی مورد نظر نویسنده کاملاً هماهنگی دارد.

۳. در این کتاب مثال‌های فراوانی برای روشن و ملموس‌شدن مباحث و تجربه بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی در جهان، از کویت و عربستان تا مالزی و کشورهای اروپایی و آمریکا، آورده شده است، اما تجربه بانک‌داری بدون ربا در همه کشورهای، برای نمونه ایران و پاکستان، را شامل نمی‌شود. کتاب از این رو دچار این کاستی است که به‌دلیل روش خودمردم‌نگاری، تنها به تجربه و مشاهدات شخصی نویسنده از بانک‌داری اسلامی در حاشیه سفرهای تجاری او به‌نماینده‌گی از شرکت‌های نفتی بسنده شده است. البته کتاب در واقع شرح تجربه تأسیس یک مؤسسه مالی بدون ربا به‌نام لاربا و هم‌چنین اکتساب مالکیت بانک بدون ربا ویتی‌یر (Bank of Whittier) در آمریکا است که نویسنده کتاب اطلاعات کاملی از فرایند این کار گزارش می‌کند. این تجربه موفق از امکان‌پذیری اجرای بانک‌داری بدون ربا در جامعه‌های غیراسلامی بدون نقض قوانین پولی و بانکی آنان حکایت می‌کند.

۴. قلم نویسنده در شکافتن مسائل پولی و مالی از نظر فقهی، اقتصادی، و حقوقی دقیق است و جزئیات فعالیت‌های بانکی و مالی را به‌طور مشروح بررسی می‌کند، اما این بررسی‌ها تحت‌تأثیر روش خودمردم‌نگاری بیش‌تر از درک و یافته‌های شخصی نویسنده روایت می‌کند و کم‌تر به بحث‌های نظری و مقایسه‌آرای دیگر اندیشمندان مسلمان می‌پردازد. حال آن‌که ماهیت مباحث نظری اقتضا می‌کند که دست‌کم نظریه‌های عمده اقتصاددانان مسلمان درباره بانک‌داری اسلامی و به‌ویژه روش‌های تعیین نرخ سود بانکی بررسی و تحلیل شود. این کاستی به‌ویژه در بحث اصلی کتاب، که ترجیح دیدگاه بانک‌داری مبتنی بر شریعت بر دیدگاه سازگار با شریعت است، به‌چشم می‌خورد. نویسنده به معرفی این دو دیدگاه بسنده می‌کند و نظریه‌های این دو گروه، استدلال‌ها، و دلایل توجیهی آنان را بررسی و تحلیل نمی‌کند.

۵. این کتاب بر اهداف، رسالت بانک‌ها، و هم‌چنین آثار و پی‌آمد کارکرد آن‌ها در جامعه بسیار تمرکز و تأکید دارد. عبدالرحمن به بانک به دیده یک نهاد اجتماعی می‌نگرد که باید در خدمت جامعه باشد و منابع گردآوری‌شده در هر محله را صرف زندگی اهالی همان محله کند. او اطلاعات گسترده و دقیقی در این ارتباط از قوانین و مقررات نظام بانکی و تأمین مالی آمریکا ارائه می‌کند. باوجود تأکید درست نویسنده بر نقش مغفول‌مانده بانک‌داری اسلامی در توزیع عادلانه ثروت در جامعه، این بخش از کتاب می‌توانست از حجم و موضوعات بیش‌تری برخوردار باشد. تبیین مباحث نظری و میان‌رشته‌ای نهاد اجتماعی - اقتصادی بانک و هم‌چنین ایده‌های جامعه‌شناسی اقتصادی نظام بانک‌داری اسلامی بر ترویج و غنای این مفاهیم می‌افزود.

۶. رویکرد کتاب به مسئله بانک‌داری و تأمین مالی بنا بر ماهیت و خاستگاه بحث رویکردی تطبیقی است، چراکه به موضوع چگونگی تأسیس یک مؤسسه مالی بدون ربا در نظام اقتصادی ربوی می‌پردازد. البته نویسنده، در مقام مقایسه این دو نظام و به‌منظور یافتن زمینه‌هایی برای هم‌زیستی و سازگاری آن دو، بر ریشه‌های مشترک دینی و اعتقادی سنت یهودی، مسیحی، و اسلامی تأکید می‌کند. از این رو، ضمن برشمردن نقاط افتراق بانک‌داری بدون ربا با نظام بانک‌داری ربوی، همواره به وجوه اشتراک این دو زمینه‌هایی که می‌توان از این نظام درس گرفت، اشاره می‌کند. باوجود این تأکید، وجه اشتراک این دو نظام بانک‌داری به فرایندهای اداری، حقوقی، و نظارتی‌ای محدود می‌شود که فعالیت بانک‌داری بدون ربا را در درون نظام ربوی آمریکا روا می‌دارد، زیرا این دو نظام بانک‌داری در مقوله نرخ بهره، که رکن بانک‌داری ربوی است، تفاوت ماهوی دارند.

۷. نویسنده کتاب به رویکرد تطبیقی اکتفا نمی‌کند، بلکه با نگاه ارزشی خود، در مقام یک مسلمان معتقد و پای‌بند به احکام اسلامی، به نقد سیستم بانکداری ربوی می‌پردازد. او در این زمینه به ویژگی واقعی بودن فعالیت‌های اقتصادی بانک بدون ربا، ویژگی پولی، و غیر واقعی بودن فعالیت‌های بانکداری ربوی اشاره می‌کند و علت اصلی بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ را همین امر می‌داند. در پژوهش‌های اقتصادی آثار بسیاری در توصیف مسائل این بحران، توضیح دلایل و عوامل آن، و نقد سیاست‌های اقتصادی و مالی در پس و پیش از این رخداد نگاشته شده است. حتی اگر نویسنده را در بررسی و نقد این بحران از دیدگاه ارزشی و برگزیده خود محق بدانیم، دست‌کم در توصیف مسائل آن و توضیح اسباب و علت‌های آن، شایسته و بلکه بایسته است که به مهم‌ترین آثار مربوط اشاره شود و چه‌بسا شواهدی دال بر نتیجه‌گیری نویسنده درباره تأثیر غیر واقعی بودن فعالیت‌های بانکداری ربوی در وقوع این بحران پیدا شود.

۸. علاوه بر وجوه تمایز بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا، نویسنده در معرفی تجربه بانکداری اسلامی دو گونه بانکداری سازگار با شریعت و بانکداری مبتنی بر شریعت را از هم بازشناسی می‌کند. به‌باور نویسنده، بانکداری سازگار با شریعت به‌گونه‌ای گرت‌برداری از بانکداری ربوی است، زیرا ارزش پولی که مازاد بر قیمت کالا دریافت می‌شود با نرخ بهره رایج در بازار سنجیده و تعیین می‌شود، ولی در بانکداری مبتنی بر شریعت، که نویسنده آن را پیش‌نهاد کرده است، این ارزش با مراجعه به بازار و براساس اجاره‌بهای کالا مشخص می‌شود. نویسنده در بازشناسی این دو دیدگاه به معرفی و مقایسه نظری آن‌ها بسنده می‌کند و درباره عملکرد آن‌ها سخن نمی‌گوید. شایسته است که او برای تبیین دلایل ترجیح الگوی بانکداری مبتنی بر شریعت تنها به مقایسه نظری این دو الگو بسنده نکند و به تطبیق عملکرد آن‌ها در کشورها نیز بپردازد.

۹. این کتاب در موضوع بانکداری بدون ربا نوآوری و ایده‌پردازی می‌کند. او در برابر تجربه بانکداری در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، کویت، و حتی مالزی الگویی از بانکداری را ارائه می‌کند که بر قواعد «شاخص سنجش کالایی» و «ارزش‌گذاری برپایه بازار» استوار است. عبدالرحمن به‌کمک این دو قاعده فعالیت‌های بانکی را با شاخص‌های اقتصاد واقعی سنجش و ارزیابی می‌کند. به‌اعتقاد او عمل به این دو قاعده موجب شد که مؤسسه لاربا و بانک بدون ربای ویتی‌یر در بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ از آسیب در امان بمانند. باتوجه به نقدهایی که بر الگوی بانکداری بدون ربای سازگار با شریعت تحت عنوان اسلامیزه کردن نظام بانکداری انجام شده (درخشان ۱۳۸۵)، طبعاً ایده‌ها،

تلاش‌ها، و تجربه‌هایی برای استقرار الگوی بانک‌داری مبتنی بر شریعت از سوی صاحب‌نظران و دولت‌مردان صورت گرفته است (صادقی ۱۳۹۰). نویسنده، نه به لحاظ نظری و نه تجربی، به سابقه الگوی مبتنی بر شریعت و دو قاعده شاخص سنجش کالایی و ارزش‌گذاری برپایه بازار در تاریخ اندیشه و کاربرد بانک‌داری اسلامی اشاره‌ای نمی‌کند. ۱۰. کتاب تک‌نگاشت و خودمردم‌نگاری است که تجربه زیسته نویسنده را برای تأسیس یک مؤسسه بدون ربا روایت می‌کند و به اقتضای موضوع اقتصادی این تجربه به مباحث علمی، حقوقی بانک‌داری، و تأمین مالی می‌پردازد. از این رو، در این کتاب نه تاریخچه دسته‌بندی‌شده و روش‌مند تجربه بانک‌داری اسلامی در جهان انعکاس یافته و نه نظریه‌های پرشمار و متنوع دانشمندان نام‌دار بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی بازتاب یافته است.

۱۱. نویسنده به پیشینه مفهوم مورد بحث در کتاب، که به‌طور خلاصه شیوه تعیین سود بانکی به‌ویژه در عقود مبادله‌ای است، اهتمام نمی‌کند، گرچه به اقتضای بحث به تجربه بانک‌داری در جهان یا دیدگاه برخی اشخاص اشاره می‌کند، درحالی‌که در این زمینه اندیشمندانی هم چون صدیقی (۱۹۸۲)، زرقاء (Zarqa 1982)، قحف (۱۳۷۵)، صدر (۱۳۷۵)، میرآخور (Mirakhor 1996)، اقبال (Iqbal 1998)، حق و میرآخور (Haque and Mirakhor 1999)، اقبال و میرآخور (Iqbal and Mirakhor 1999)، خان و میرآخور (۱۳۷۰)، توتونچیان (۱۳۷۹)، آقانظری (۱۳۸۷)، موسویان (۱۳۷۹)، و دیگران بسیار بحث کرده‌اند. به دلیل این کاستی در کتاب، آن را نمی‌توان به‌عنوان یک کتاب درسی با دست‌نامه معرفی کرد، درنهایت می‌توان آن را برای مطالعه جانبی توصیه کرد.

۱۲. کتاب، با وجود آراستگی چاپی و صفحه‌آرایی مناسب، از برخی غلط‌های تایپی پیراسته نیست. چنان‌که یاد شد، استنادهای کتاب به آرای دیگر اندیشمندان بانک‌داری اندک است، افزون‌براین از نظر ارجاعات نیز کاستی‌هایی دارد. برای نمونه در صفحه ۵۲ به اظهار نظر جیمز بیکر استناد شده، اما منبع آن یاد نشده است.

۳. نتیجه‌گیری

نویسنده به‌روش خودمردم‌نگاری تجربه خود را از تأسیس بانک بدون ربا، تملک بانک ویتی‌یر، و تحویل آن به یک بانک بدون ربا در آمریکا بازگو می‌کند. او بنا بر ماهیت علمی مقوله بانک‌داری و تأمین مالی بدون ربا از ورود به مباحث تخصصی این حوزه ناگزیر

است، اما تحت تأثیر روش خودمردم‌نگاری، بحث تخصصی او به اندازه کافی پیشینه و ارجاع به نظریه‌های اقتصاد اسلامی ندارد.

قلم نویسنده روان و همه‌فهم است. شاید تأکید او بر فهم‌پذیری کتاب مایه تکرار و بسط ملال‌آور برخی از مطالب شده است. البته توان کتاب در گسترش مفاهیم و فرهنگ بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی به عنوان ترویج علم کتمان‌شدنی نیست.

در کنار روایت تجربه بانک‌داری بدون ربا در آمریکا، به نمونه‌هایی از این نوع بانک‌داری در جهان هم چون کشورهای عربی و آسیای دور اشاره شده است، اما این بررسی‌ها روش‌مند و جامع نیست و برای مثال روش بانک‌داری در ایران و پاکستان مغفول است.

نویسنده در شکافتن مسائل پولی و مالی از نظر فقهی، اقتصادی، و حقوقی دقیق است، اما بررسی‌های او، تحت تأثیر روش خودمردم‌نگاری، بیش‌تر به درک و یافته‌های شخصی محدود شده است و کم‌تر به بحث‌های نظری و مقایسه‌آرای دیگر اندیشمندان مسلمان می‌پردازد. این کاستی در تحلیل دو مفهوم شاخص سنجش کالایی و ارزش‌گذاری برپایه بازار کاملاً هویدا است.

کتاب به درستی بر اهداف و کارکردهای اجتماعی بانک‌داری بدون ربا تأکید می‌کند، اما سهم آن از این مباحث به اندازه کافی نیست و جای مباحثی درباره نهاد اجتماعی - اقتصادی بانک و جامعه‌شناسی اقتصادی نظام بانک‌داری اسلامی خالی است.

نویسنده در معرفی دو رویکرد بانک‌داری سازگار با شریعت و مبتنی بر شریعت به توصیف و تحلیل آن‌ها بسنده می‌کند و از کارکرد این دو در تجربه جهانی سخن نمی‌گوید.

کتاب‌نامه

آقانظری، حسن (۱۳۸۷)، «نظریه مشارکت در سود و زیان؛ چالش‌ها و راه‌کارها»، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۲۹.

توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، پول و بانک‌داری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، تهران: توان‌گران خان س. محسن و عباس میرآخور (۱۳۷۰)، مطالعات نظری در بانک‌داری و مالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، تهران: مؤسسه بانک‌داری ایران.

درخشان، مسعود (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های موجود به اقتصاد اسلامی؛ سلسله درس‌گفتارها، تدوین سیدعقیل حسینی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

صادقی، مهدی و محمدرضا اسماعیلی (۱۳۹۰)، «درکی از پدیده اسلامیزه‌شدن اقتصاد و بررسی روش میان‌رشته‌ای برای برون‌رفت از آن»، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، س ۱۶، ش ۴۹.

نقد کتاب هنر بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی (سیدمحمدرضا امیری طهرانی) ۲۳

صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۵)، *اقتصاد ما*، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران: اسلامی.

صدیقی، نجات‌الله (۱۹۸۲)، *آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی*، ترجمه محمدرضا شاهرودی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۵)، *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه (گراند تئوری GTM)*، تهران: آگاه.

قاسمی، حمید (۱۴۰۰)، *مرجع پژوهش*، تهران: اندیشه‌آرا.

قحف، منذر (۱۳۷۵)، *مباحثی در اقتصاد خرد با نگرش اسلامی؛ به قلم سزیده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان*، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

قدیمی، اکرم (۱۳۹۶)، *ترویج علم، روش‌ها، شاخص‌ها، و نمونه‌های موردی*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

موسویان، عباس (۱۳۷۹)، *بانک‌داری بدون ربا از نظریه تا عمل*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

Abdul-Rahman, Yahia (2010), *The Art of Islamic Banking and Finance*, New Jersey: Wiley & Sons.

Dhaka, Bangladesh (1991), "IRTI of Islamic Development Bank and the Islamic Foundation", in: *Proceedings of the Seminar on 'Teaching Islamic Economics at University Level'*, Monzer Kahf (ed.), no. 41, Jeddah.

Haque, N. and A. Mireikhor (1999), "The Design of Instrument For Government Finance in an Islamic Economy", *Islamic Economic Studies*, vol. 6, no. 2.

<<https://www.Amazon.com>>.

Iqbal, Munawar (1998), "Lessens in Islamic Economics", in: *Islamic Banking*, vol. 2.

Iqbal, Z. and A. Mirakhor (1999), "Progress and Challenges of Islamic Banking", *Thunderbird International Business Review*, vol. 41, no. 3.

Mirakhor, Abbas (1996), "Cost of Capital and Investment in a Non-Interest Economy", *Islamic Economic Studies*, vol. 4, no. 1.

Zarqa, M. Anas (1982), "Capital Allocation, Efficiency and Growth in an Interest-Free Islamic Economy", *The Journal of Economics and Administration*, no.16.

